

یادداشت‌هایی در باره ی حزب پیشتاز انقلابی بین‌المللی

م. رازی
Razi@kargar.org

با آغاز تدارک تشکیل نطقه‌های اولیه حزب پیشتاز انقلابی در ایران؛ بررسی و توجه به سابقه تاریخی احزاب بین‌المللی کارگری، حائز اهمیت است. کارگران پیشروی کمونیست ایران می‌باید به یافتن متحدان بین‌المللی خود مبادرت کرده و تدارک انقلاب جهانی سوسیالیستی را همراه با آنها سازمان دهند. زیرا در وضعیت کنونی گرایش‌های بورژوا و خرده بورژوا در حال سازماندهی و یافتن متحدان بین‌المللی خود بوده که همراه با آنها استثمار کارگران جهان را با هماهنگی با یکدیگر تسهیل بخشند. کارگران پیشروی کمونیست نیز برای مقابله با این اتحاد نامقدس یورژوازی علیه کارگران، باید خود را در سطح بین‌المللی سازمان داده و همراه با سایر هم‌نظران مقابله با کل نظام سرمایه‌داری جهانی را در درون یک حزب پیشتاز انقلابی بین‌المللی تدارک ببینند.

مقاله زیر نخستین بار تحت عنوان «انترناسیونالیزم» در شهریور ۱۳۷۶ در نشریه «کارگر سوسیالیست» انتشار یافت. این مقاله با اصلاحاتی در اختیار کارگران پیشروی کمونیست، در راستای باز کردن بحث پیرامون این مسئله، قرار می‌گیرد.

آبان ۱۳۸۲

بخش ۱: تجارب بین‌الملل اول

در سال ۱۸۴۷ مارکس و انگلس با پیوستن به «اتحادیه کمونیستها» شعار محوری آن، «همه مردان برادرند»، را به «کارگران جهان متحد شوید» تغییر دادند. این تغییر ناشی از یک سیاست مهم در مبارزه کمونیست‌ها علیه سرمایه‌داری در سطح جهانی بود. سیاستی که راه را برای تشکیل یک سازمان بین‌الملل انقلابی (بین‌الملل اول) فراهم آورد. در «مانیفست کمونیست» آنها تأکید کردند که کمونیست‌ها "در مبارزه ملی پرولتاریا در کشورهای مختلف، بر منافع مشترک کل پرولتاریا، صرف‌نظر از ملیت آن، تأکید کرده و این مسئله را برجسته می‌کنند." البته در عین حال آنان این امر را قبول داشته که "مبارزه پرولتاریا با بورژوازی، در شکل و نه در محتوا، در وهله نخست یک مبارزه ملی است. پرولتاریای هر کشور البته باید در ابتدا تکلیف خود با بورژوازی خود را تعیین کند."

تشکیل بین‌الملل اول و پس از آن بین‌الملل دوم و سوم و نهایتاً چهارم براساس چنین سنتی بنا نهاده شدند. اما همانطور که بین‌الملل‌های اول و دوم و سوم با موانع ای روبرو شدند، بین‌الملل چهارم، نیز نتوانست از عهده تعهدات خود برآید. انزوای سیاسی طولانی، سیاست‌های فرصت‌طلبانه در سطح جهانی را به دنبال آورد. گرچه تنوری‌های اولیه پاسخگوی بسیاری از معضلات جنبش کارگری بود، اما به تدریج عدم تکامل تنوری‌ها، مواضع فرصت‌طلبانه و یا فرقه‌گرایی را به همراه آورد. تاجایی که می‌توان اذعان داشت که امروز در سطح جهانی سازمانی که بتواند حامل سنت‌ها و تجارب مبارزات کارگری و ادامه تنوری‌های انقلابی جنبش کارگری را دربر داشته باشد، وجود ندارد.

برای تدارک ایجاد چنین تشکیلاتی بررسی تجارب و سنن بین‌الملل‌ها انقلابی ضروری است.

تأسیس بین‌الملل اول

«انجمن بین‌المللی کارگران» (بین‌الملل اول)، در سال ۱۸۶۴ عمدتاً به ابتکار فدراسیون سازمان‌های کارگری در اروپای غربی و مرکزی (به ویژه کارگران سوسیالیست لندن و پاریس)، پس از تجربه‌ی شکست انقلاب‌های ۴۹-۱۸۴۸، تأسیس شد. مارکس و انگلس در رهبری و سازماندهی بین‌الملل اول نقش تعیین‌کننده ایفا کردند.^۱

تجارب عمده‌ی «بین‌الملل اول» از این قرار هستند:

«بین‌الملل» و انقلابات «ملی»

برخلاف برداشت و تفسیر نادرست برخی از واژه‌ها «انترناسیونالیزم» که گویا پذیرش انقلاب بین‌المللی، به مفهوم رها کردن انقلابات ملی است، «بین‌الملل اول» خود در همبستگی با قیام مسلحانه «ملی» لهستان علیه روسیه تزاری (۱۸۶۳) بوجود آمد. حمایت از قیام

^۱ - البته این نخستین باری نبود که ایده تشکیل یک سازمان بین‌المللی طرح می‌گشت. بین سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۸۵۲ مارکس و انگلس از بنیانگذاران و سازمانده‌های اصلی «اتحادیه کمونیست‌ها»، نطقه‌ی اولیه یک سازمان بین‌المللی در سال ۱۸۴۷، بودند.

«استقلال طلبانه» لهستان انگیزه ای برای گردهم آیی کارگران اروپایی شد. به سخن دیگر، از همان ابتدا، تشکیل نخستین سازمان «بین المللی»، با مبارزه و حمایت از قیام «ملی» پیوند خورد.

پیشاپیش آن، مارکس و انگلس در «مانیفست کمونیست» تأکید کردند که کمونیست ها در مبارزه ملی پرولتاریا در کشورهای مختلف، بر منافع مشترک کل پرولتاریا، صرفنظر از ملیت آن، تأکید کرده و این مسئله را برجسته می کنند^۱، اما،

«مبارزه پرولتاریا با بورژوازی، در شکل و نه محتوا، در وهله نخست یک مبارزه ملی است. پرولتاریای هر کشور البته باید در ابتدا تکلیف خود با بورژوازی خود را تعیین کند»^۲.

این بدین مفهوم است که کمونیست ها ضمن مبادرت کردن برای تشکیل جامعه سوسیالیستی جهانی باید در عین حال از مبارزات «ملی» پرولتاریا برای براندازی بورژوازی کشورهای خود نیز حمایت کنند. ایجاد یک سازمان بین المللی برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی با ساختن یک حزب پیشتاز انقلابی در سطح ملی برای سازماندهی انقلاب سوسیالیستی نه تنها مغایرتی ندارد که مکمل یکدیگرند. از سازماندهی یک انقلاب جهانی، بدون انقلابات ملی صحبت به میان آوردن، همانقدر تخیلی است که نادیده گرفتن انقلاب جهانی و تأکید بر ساختن «سوسیالیزم در یک کشور».

سازماندهی حزب طبقه ی کارگر

گرچه بین الملل اول ابتدا با انگیزه ایجاد یک سازمان بین المللی آغاز به کار کرده بود، اما تا قبل از «کمون پاریس» در سال ۱۸۷۱، هنوز به مفهوم اخص کلمه به یک حزب بین المللی مبدل نشده بود^۳. در تجربه کمون پاریس نقطه عطفی در تاریخ بین الملل اول بود. انگلس در نامه ای نوشت که کمون «بدون تردید فرزند بین الملل بود، گرچه خود بین الملل قدمی در به راه اندازی آن بر نداشت» (نامه به «سورژ»، ۱۷-۱۲ سپتامبر ۱۸۷۴). در واقع طرفداران فرانسوی بین الملل (پُردونیست ها) نقش مهمی در کمون پاریس ایفا کردند. این واقعه، درس های اساسی نی برای بین الملل به همراه آورد. جمع بندی این تجربه در مقاله ی مارکس تحت عنوان «جنگ داخلی در فرانسه» انتشار یافت. مارکس در کنفرانس لندن بین الملل (سپتامبر ۱۸۷۱) برای نخستین بار اعلام کرد که پرولتاریا باید خود را در یک حزب سیاسی متشکل کند. در پی آن در کنفرانس لاهه (۱۸۷۲) ماده نویسی به اساسنامه بین الملل افزوده شد مبنی بر اینکه «تسخیر قدرت سیاسی به یکی از وظایف اصلی پرولتاریا تبدیل می شود»^۴.

در این زمان، تجربه کمون پاریس، بین الملل اول را به یک سازمان انقلابی بین المللی که برای تسخیر قدرت سیاسی پرولتاریا گام بر می داشت، تبدیل کرد.

مبارزه ی با خرده بورژوازی

ایده ی «تسخیر قدرت سیاسی» توسط پرولتاریا در کنگره لاهه ۱۸۷۲، با مخالفت شدید «با کونین»، رهبر گرایش آنارشیزست ها در درون بین الملل، مواجه شد. با کونین اعتقاد داشت که بین الملل بایستی از دخالت در «سیاست» امتناع ورزد. اما اختلاف اصلی نی که از بدو الحاق آنارشیزست ها به بین الملل (۱۸۶۹)^۵ بروز کرد، پیرامون مسئله سازماندهی بین الملل بود. با کونین به تمرکز رهبریت ایراد گرفته و «آتوریته» ی «شورای عمومی» (رهبری بین الملل) را زیر سوال می برد. او تمایل داشت که بین الملل تحت نظارت مستقیم «انجمن های سرّی» و «انجمن»هایی که زیر کنترل خود او بودند، قرار گیرد. این گرایش خرده بورژوایی تحت «مبارزه» با «آتوریته» و «مرکزیت»، می خواست رهبریت خود را بر بین الملل تحمیل کند.

کنگره ی لاهه شیوه های مخرب با کونین را تحمل نکرد، او و همفکرانش را از بین الملل اخراج کرده و «شورای عمومی» را تقویت کرد.

به علت فروکش جنبش کارگری در سطح بین المللی، آخرین کنگره بین الملل اول در سال ۱۸۷۶ در فیلادلفیا صورت گرفت.

ادامه دارد

^۱ - همبستگی و هم آهنگی بین کارگران فرانسوی و بریتانیایی برای حفاظت از منافع خود در مقابل «واردات» کارگران «ارزان» از بلژیک، ایتالیا و آلمان، یکی از علل اصلی تشکیل این سازمان بود. در واقع این سازمان به مفهوم اخص کلمه یک تشکیلات «اتحادیه ی کارگری» بود.

^۲ - سازمان «اتلاف دمکراسی سوسیالیستی بین المللی» به رهبری با کونین در سال ۱۸۶۸ در خواست پیوستن به بین الملل اول را کرد. با وجود اختلاف برنامه نی بین دو تشکیلات، بین الملل در سال ۱۸۶۹، آن سازمان را پذیرفت. بین الملل اعلام کرد: «بگذارید هر بخش به طور آزادانه برنامه تنوریک خود را شکل دهد» (استاد بین الملل اول، جلد ۳، ص ۷-۲۷۳، ۱۱-۳۱۰).